

راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده‌اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره‌هایی می‌بینید که متشکل از شماره نکته‌ی تقریر شده و شماره صفحه‌ی مد نظر است (مثلاً ۱۵۰/۵ تقریر ۵ در صفحه ۱۵۰) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام " متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی " میتوانید ببینید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه ، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : ۰۹۳۶۳۲۱۱۷۳۰ ، پیامرسان‌های ایتا و بله؛

*- صوت ۱۴۰ ادامه الملازمه بین حکم العقل و حکم الشارع

*- الملازمه بین حکم العملی و حکم الشارع :

*- ۳۰۶/۲ فَسَّرَ الْحَسَنَ وَالْقَبْحَ بَوْصَفِهِمَا حُكْمَيْنِ عَقْلَانِيَيْنِ : حکمین عقلانی هستند یعنی از مشهورات هستند و مشهورات را معنا کردند ما تطابق علیه العقلاء؛

*- ۳۰۷/۱ الملازمه بین الحكم العملی العقلی والحکم الشرعی : در مورد ملازمه دو دیدگاه است :

دیدگاه مشهور : ما حکم به العقل حکم به الشرع ؛ اگر عقل حکم کرد حتماً شرع حکم نمیکند. در توضیح این ملازمه گفتند وقتی عقلاء یک چیزی میگویند که هذا العمل حسنٌ و هذا العمل قبیحٌ ؛ عقلاء در این نظرشان حیثیت عقلانی دخیل بوده است. شارع مقدس یکی از عقلاء است بل هو سیدهم و پس وقتی عقلاء اتفاق نظر دارند بر حسن چیزی یا قبح چیزی، شارع هم در ردیف اونها همین نظر را دارد.

*- شاید کسی بگوید مثلاً شرایط آب و هوایی و مذهبی روی رأی آنها تاثیر بگذارد؛ باید گفت : نه اینطور نیست بلکه حیثیت عقلانیه جوری باید در نظر گرفته شود که فارغ از اینها باشد.

دیدگاه دوم : این گروه نیز قائل به ملازمه اند ولی قائل به ملازمه ی میان حکم العقل و استحاله حکم الشرع ؛ اگر عقل حکم کرد حتماً شرع حکم نمیکند.

* - ۳۰۷/۲ **فلا بدّ أن يكون الشارع داخلاً ضمن ذلك أيضاً:** تعبیر ملازمه درباره چنین رویکردی یک تعبیر مسامحی است زیرا این رویکرد و این اتّجاه حکم شارع را از باب ملازمه نمیداند، بلکه از باب تضمّن و بودن شارع در بین عقلاء میداند. - این نکته دقیق است در واقع ملازمه نیست ضمن است زیرا شارع را یکی از عقلاء گذاشتیم. -

* - ۳۰۷/۳ **والتحقیق:** یا در حُسن و قُبْح، ما نظر شهید صدر را داریم که حُسن و قُبْح با وصف شان امران و اقعان که عقل میکند را میپذیریم یا دید گاهی دیگر میگوید از مشهورات است. شهید میگوید: بنابر نظر من شهید یعنی امران و اقعیان، ملازمه‌ای که میگویند وجود ندارد. بنابر نظر ما عقلاء، از آن جهت که عقل دارند درک میکنند حُسن و قُبْح را و شارع هم که عقل دارد و درک میکند حُسن و قُبْح را. تا اینجا مشکلی نیست. تنها سؤال این است که آیا شارع که حُسن و قُبْح را درک کرده، حکم تشریعی الزامی مطابق اینها داده است یا نه؟ یعنی صرف اینکه درک کرده چه خاصیتی دارد؟ جعل شارع اختیاری است ولو درک کرده آیا اختیار کرده است. ما می‌خواهیم ببینیم شارع این جعل را انجام داده است یا خیر؟

* -